

بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران

عباس کشاورز شکری^۱
احسان فرهادی^۲

چکیده

در مقاله حاضر، با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی به شناسایی فرایند بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است. سؤال اصلی این مقاله آن است که بسیج منابع در انقلاب اسلامی بر اساس الگوی نظری بسیج منابع چارلز تیلی چگونه بوده است؟ روش تحقیق مورد استفاده، روش قیاسی و تاریخی است. در این مقاله، بر پایه سؤالات مستخرج از مدل نظری مورد استفاده به مفاهیمی همچون منافع گروه‌های مختلف، سازمان‌ها و اقدامات سازمانی، چگونگی فرایند بسیج هر یک از گروه‌های انقلابی، شناسایی وضعیت متغیر فرصت/ تهدید و سرکوب/ تسهیل و عناصر سازنده آن، چگونگی فرایند کنش جمعی در انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، منافع، سازمان، بسیج منابع، کنش جمعی، سرکوب/ تسهیل، قدرت، فرصت/ تهدید.

Email: keshavarz@shahed.ac.ir

Email: eh.farhadi@gmail.com

تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۷

مقدمه

در این مقاله، با استفاده از نظریه چارلز تیلی به شناسایی فرآیند بسیج منابع در انقلاب اسلامی پرداخته شده است. سؤال اصلی آن است که بسیج منابع در انقلاب اسلامی بر اساس الگوی نظری بسیج منابع چارلز تیلی چگونه بوده است؟ بررسی فرآیند بسیج در انقلاب اسلامی از آن جهت مهم است و ضرورت دارد که نقش اراده و کنش رهبران، ایدئولوگ‌ها و کنشگران انقلابی در آن انکار ناپذیر است. آشکار بودن این امر تا بدان حد است که اسکاچپول، یکی از نظریه پردازان مطرح حوزه انقلاب، پس از رخداد انقلاب اسلامی نظریه ساختارگرایی خود را برای توضیح انقلاب اسلامی جرح و تعدیل کرده و به نقش بی بدیل کنشگران انقلابی در انقلاب اسلامی اذعان می‌نماید (Skocpol, 1982:268). بنابراین، اگر قرار بر آن باشد که انقلابی مورد بررسی قرار گیرد که نقش کنش‌گران و سازمان‌های انقلابی در آن بسیار برجسته باشد، مناسب‌ترین نظریه برای توضیح آن، نظریه چارلز تیلی خواهد بود.

روش این پژوهش نیز قیاسی است. روش شناسی قیاسی نظریه‌ای را برای بررسی پدیده‌ای خاص در نظر می‌گیرد، فرضیات مناسبی را استخراج می‌کند که در اساس ابطال پذیرند، و این فرضیات را به آزمون می‌گذارد تا اعتبار اولیه خود را تعیین کند. در این مقاله، تلاش شده است مؤلفه‌های مستخرج از نظریه چارلز تیلی با استفاده از شواهد تاریخی در مورد انقلاب اسلامی به کار بسته شود. بنابراین، روش دیگر به کار گرفته شده در این مقاله روش تاریخی است (افشار کهن، ۱۳۸۳ : ۲۳).

چهارچوب نظری

چارلز تیلی در کتاب «از بسیج تا انقلاب» طرح نظری‌اش درباره چگونگی شکل‌گیری فرآیند کنش‌های جمعی را ارائه می‌دهد. تیلی با ارائه دو مدل انتزاعی «جامعه سیاسی» و «بسیج»، چگونگی شکل‌گیری فرآیند کنش‌های جمعی یک جامعه در وضعیت انقلابی را ترسیم می‌کند. در این مقاله، فقط از الگوی بسیج تیلی برای توضیح فرآیند بسیج در انقلاب اسلامی استفاده می‌شود.

الگوی تیلی برای توضیح عمل جمعی، الگوی بسپج است. این الگو به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه‌های مدعی به طور جداگانه طراحی شده است. متغیرهای این الگو که در باره هر گروه مدعی به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، عبارتند از:

۱- منافع: امتیازات و محرومیت‌های مشترکی که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها حاصل شود؛

۲- سازمان: میزان هویت مشترک و نظام وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است و به عنوان فرآیند افزایش هویت مشترک محسوب می‌شود (می‌توان کاهش هویت مشترک و یا افول نظام وحدت بخش را سازمان پاشی نامید). هر چه اعضای گروه از هویتی یکپارچه‌تر برخوردار باشند و ساختارهایی که آنان را متحد می‌کند مستحکم‌تر باشند، آن گروه سازمان یافته‌تر محسوب می‌شوند؛

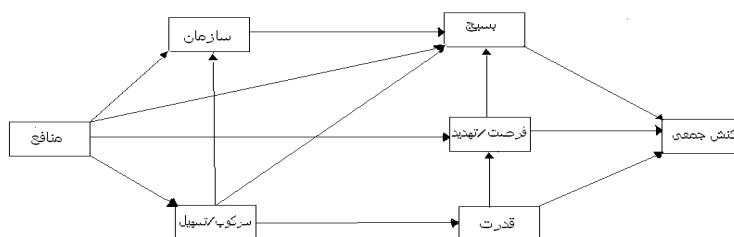
۳- بسپج منابع: کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بدانند (می‌توان کاهش آن را بسپج زدایی نامید)؛

۴- عمل جمعی (یا کنش گروهی): با هم عمل کردن در تعقیب علایق مشترک. به عبارت دیگر، عمل مشترک یک گروه مدعی در پی دستیابی به اهداف مشترک عمل جمعی خوانده می‌شود؛

۵- فرصت/ تهدید: فرصت رابطه میان منافع جمعیت و وضع کنونی جهان اطراف است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴).

تیلی مدل بسپج خود را به شکل زیر نشان می‌دهد:

مدل بسپج تیلی

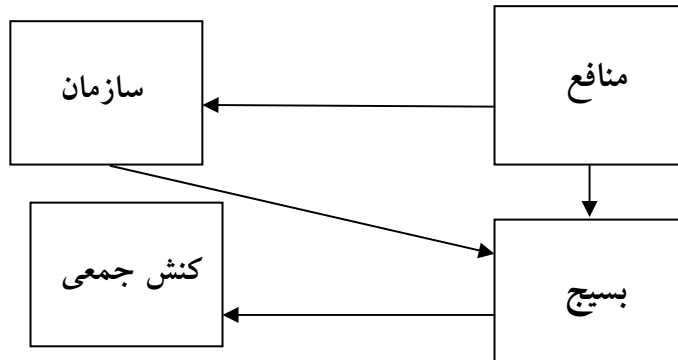


(پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۱)

الف- بخش اول مدل بسیج

بخش اول شامل سه متغیر منافع، سازمان و بسیج بوده که تیلی آن‌ها را عناصر درون گروهی مؤثر بر کنش جمعی می‌داند و شکل زیر نمایانگر این بخش از مدل می‌باشد.

عوامل مؤثر درون سازمانی



(تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

۱- منافع

منافع، امتیازها و دستاوردهای مشترکی است که در نتیجه کنش متقابل یک جمعیت با جمعیت دیگر عاید اعضای آن جمعیت می‌شود (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳).

۲- سازمان

برای به وجود آمدن یک سازمان فعال سیاسی، اعضای سازمان یا بخشی از آنها باید به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی شبکه‌ای از روابط ایجاد می‌نماید. هرچه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال به وجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد. اندازه و کیفیت سازمان، تعیین‌کننده اصلی توان بسیج آن سازمان است. هر چه سازماندهی با کیفیت‌تر و سازمان به لحاظ جغرافیایی سطح بزرگ‌تری را شامل شود، توان بسیج آن بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۴۲).

۳- بسیج منابع

بسیج منابع، یعنی کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری می‌داند.

۳-۱ انواع منابع

- ۳-۱-۱- منابع اجبار آمیز مانند سلاح، نیروی مسلح و فن آوری‌های کنترل کننده؛ این منابع ابزار تنبیه دیگر انسان‌ها و محدود ساختن بدیل‌های قابل دسترس برای آنهاست؛
- ۳-۱-۲- منابع فایده مند مانند کالا، خدمات اطلاع رسانی و پول؛ منابعی هستند که انسان‌ها دستیابی به آنها را حق خود می‌دانند؛
- ۳-۱-۳- منابع هنجاری مانند وفاداری‌ها و تکالیف؛ یعنی تعهدات اعضایی از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه، خود گروه و آرمان‌های آن (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵؛ تیلور، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

۳-۲ انواع بسج

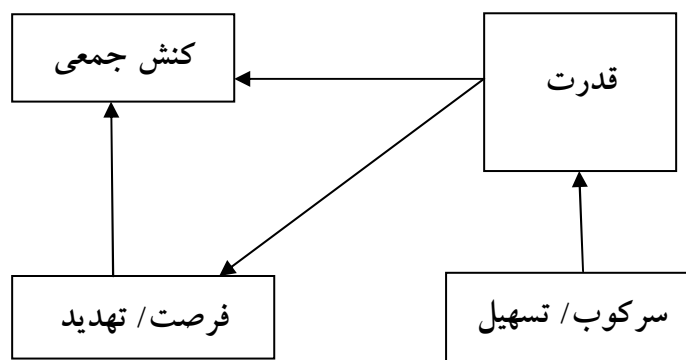
- بسج منابع به این معناست که سازمان‌ها و گروه‌ها تلاش می‌کنند منابع فوق را هر چه بیشتر در اختیار خود گیرند. انواع بسج از نظر تیلی عبارتند از:
- ۳-۲-۱- بسج تدافعی که تهدیدی از خارج اعضای یک گروه را وا می‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند تا منافع خود را حفظ نماید. نمونه‌های این نوع بسج شورش‌های مربوط به غذا، شورش‌های مالیاتی، تهاجم به کشتزارها، مقاومت در برابر لوايح قانونی است؛
- ۳-۲-۲- بسج تهاجمی که سازمان در واکنش به فرصت‌های پیش آمده به جمع آوری منابع می‌پردازد تا به منافع جدیدی دست یابد. نمونه بسج تهاجمی، موفقیت مؤسسه کاتولیک اوکانل در گسترش اجباری حقوق کاتولیک‌های انگلیسی و ایرلندی است؛
- ۳-۲-۳- بسج تدارکاتی که سازمان با پیش بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره سازی منابع می‌پردازد. نمونه این نوع بسج، اتحادیه‌های کارگری در قرن نوزدهم در اروپا بودند که برای ایام سختی (از قبیل بیکاری، درگذشت نان آور خانواده، و یا ازمیان رفتن دستمزد طی دوره اعتصاب) صندوق پولی را تدارک دیده بودند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۳).

ب- بخش دوم مدل بسج

متغیرهای بخش اول مدل بسج به خودی خود امکان توضیح فرایند کنش انقلابی را ندارند. این مدل تنها ظرفیت موجود درون گروهی را برای اقدام نشان می‌دهد و به انگیزه یا فرصت آنی موجود برای اقدام نمی‌پردازد. آن دسته از انگیزه‌ها و فرصت‌ها جایگاه خود را در نیمه دیگر مدل

بسیج و در مدل جامعه سیاسی می‌یابند. تیلی از عناصر سازنده نیمه دوم مدل که شامل عناصر سرکوب- تسهیل، قدرت و فرصت- تهدید می باشد، به عنوان عناصر برون گروهی مؤثر بر کنش جمعی نام می‌برد. شکل زیر نمایانگر وضعیت بخش دوم مدل بسیج است:

عوامل مؤثر برون سازمانی



(تیلی، ۱۳۸۵، ۱۴۹)

۱- سرکوب و تسهیل

سازمان یا گروهی که سعی در انجام کنش جمعی دارد، ممکن است مورد سرکوب یا تسهیل گروه‌های دیگر مدعی قرار بگیرد. اگر آن گروه دیگر دولت باشد، سرکوب یا تسهیل را سرکوب یا تسهیل سیاسی می‌گویند. بنابراین، «سرکوب، هر گونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد و کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است». نمونه‌های سرکوب، به خدمت فراخواندن اعتصاب کنندگان، ممنوعیت اجتماعات، و دستگیری رهبران و نمونه‌های تسهیل، قانونی کردن عضویت در یک سازمان، تأمین هزینه‌های یک سازمان، و خنثی سازی فعالیت‌های دشمنان سازمان است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۵۰).

۲- قدرت

تیلی تعریف قدرت را در ضمن یک مثال توضیح می‌دهد. او می‌گوید فرض کنید چند حزب که دارای منافع هستند، با یکدیگر در تعامل می‌باشند و منافع آنها با هم متعارض است. قدرت هر

حزب « عبارت است از میزان غلبه یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آنها تعارض دارد» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). تیلی حکومت را در ذیل بحث قدرت تعریف می‌کند: «حکومت مهم ترین ابزار تمرکز یافته اجبار را در جمعیتی تعریف شده در اختیار دارد جامعه سیاسی مشخص ساختن مدعیانی است که دسترسی روزمره به حکومت دارند». به این ترتیب، نیمه دوم مدل بسپج با مدل جامعه سیاسی پیوند دارد؛ چرا که عواملی همچون دولت و یا دیگر مدعیان قدرت، عواملی برون گروهی یا برون سازمانی هستند و مدل جامعه سیاسی می‌تواند تعامل میان آنها را توضیح دهد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

۳- فرصت و تهدید

فرصت عبارت است از شرایطی که در آن منافع گروه مدعی قدرت مفروض در عین وجود منافع متعارض با آن تحقق می‌یابد. تهدید عبارت است از وجود شرایطی که در آن با بودن ادعاهای سایر گروه‌های رقیب، امکان تحقق منافع گروه مفروض کاهش می‌یابد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۹۶).

۴- کنش جمعی

توان گروه برای کنش جمعی بسته به میزان و مقدار منابعی است که بسپج کرده است. میزان کنش جمعی نیز تابعی است از:

۱- منافع مشترک یعنی مزیت‌ها و زیان‌هایی که ممکن است از تعامل با دیگر گروه‌ها حاصل آید؛

۲- شدت و قوت سازمان آن یعنی میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش در میان اعضای گروه؛

۳- بسپج منابع یعنی میزان منابعی که گروه در اختیار دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

تیلی انقلاب‌ها را ذیل عنوان «خشونت جمعی» بررسی می‌کند. او در کتاب «قرن شورشی»، از سه نوع کنش جمعی اعتراضی در تاریخ جوامع اروپایی نام می‌برد:

۱- عمل جمعی اعتراضی رقابتی: این عمل زمانی صورت می‌گیرد که منابعی که مورد ادعای یک گروه است، همزمان مورد ادعای گروه‌های دیگر نیز می‌باشد.

۲- عمل جمعی اعتراضی واکنشی: این عمل در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پایمال شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود. مانند شورش‌های مالیاتی و شورش‌های علیه گرانی نان؛

۳- عمل جمعی اعتراضی نو خواهی: ادعاهایی از سوی یک گروه مطرح شود که قبلاً مطرح نبوده است. مانند مشروطه خواهی.

قسمت دوم- شناسایی مؤلفه های نظریه بسیج منابع در انقلاب اسلامی

الف- منافع چالشگران انقلابی در انقلاب اسلامی

۱- چالشگران قدرت در انقلاب اسلامی

به طور کلی، مهم‌ترین چالشگران در انقلاب اسلامی را طبقه متوسط سنتی (بازاریان و روحانیون)، طبقه متوسط جدید (روشنفکران، دانشگاهیان)، کارگران صنعتی و کارمندان تشکیل می‌دادند (Keddie, 1987: 239-247).

در انقلاب اسلامی، این چالشگران بودند که توانستند انقلاب را به وجود آورند و مطالبات جدید را رقم زنند. حضور فعال جریان روحانیت از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی از حیث چالشگران است. در انقلاب اسلامی، شبکه روحانیت تحت رهبری علما، با توجه به همبستگی و پیوند های درونی که میان خودشان و دیگر طبقات و شؤون اجتماعی در جامعه ایران داشتند، یک جریان کارآمد بوده که به سهولت توانست فرایند بسیج گری و کنش جمعی انقلابی را پیش برده و رهبری نمایند (جلایی پور، ۱۳۸۵ : ۳۱).

این شبکه سنتی با توجه به داشتن پیوند های تاریخی و درونی‌اش با توده‌های مردم ایران در انقلاب اسلامی، همانند یک حزب و تشکیلات مدرن عمل کرده و کارکردهای خویش را در عرصه بسیج سیاسی در مقاطع مختلف تاریخ به ویژه در جریان مبارزات مشروطه و انقلاب اسلامی، با توانایی بسیج چند هزار نفری و چند میلیونی نشان داد (فرهادی، ۱۳۸۹ : ۲۳۰).

بازار که متشکل از گروه تجار، بازرگانان، پیشه‌وران و اصناف می‌باشد، در انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین تأمین کننده منابع مالی برای چالشگران بودند که پیوند نزدیک بین آن‌ها و روحانیت، ائتلاف انقلابی بین گروه‌های انقلابی را علیه دشمن مشترک، یعنی حکومت تسهیل نمود (رهبری، ۱۳۷۷ : ۵۲).

در عصر پهلوی دوم، روشنفکران که تعدادشان تحت تأثیر برنامه‌های توسعه‌ای شاه، به ویژه گسترش مراکز آموزشی افزایش یافته بود، نقش مهمی در بسیج مردمی به خصوص دانشجویان و تحصیلکردگان داشتند. البته، روشنفکران در انقلاب اسلامی، در مقایسه با روحانیت، انسجام و هماهنگی لازم برای اقدام سیاسی را نداشتند، اما برنامه‌های توسعه‌ای رژیم پهلوی موجب شده بود که در ایام انقلاب اسلامی به عنوان یک چالشگر تأثیرگذار در صحنه مبارزات ظاهر شوند که به دنبال حقوق معوقه خود و دخالت در اداره کشور و مشارکت سیاسی بودند. کارگران صنعتی و طبقه متوسط جدید شامل کارمندان دولت، بوروکرات‌ها و مدیران نیز در دوره انقلاب اسلامی نقش مهمی را در پیروزی انقلاب ایفا نمودند (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۲۹).

۲- شناسایی منافع گروه‌های انقلاب اسلامی بر اساس اظهارات آن‌ها

در فاصله زمانی بین اردیبهشت ۱۳۵۶ تا خرداد ۱۳۵۷، بعد از یک دوره سکوت ۱۵ ساله پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، پنجاه و سه حقوقدان اعتراضات خود را به طور علنی با فرستادن نامه سرگشاده‌ای به کاخ سلطنتی اعلام می‌کنند. آن‌ها در نامه فوق خواستار عدم مداخله دولت در امور قضایی و همچنین تشکیل یک کمیته ویژه برای حفظ و حمایت از قوه قضائیه در برابر قوه مقننه می‌گردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۹).

رهبران جبهه ملی در خرداد ۱۳۵۶ طی نامه‌ای خواسته‌هایی را از رژیم مطالبه می‌کنند. آن‌ها با هدف حفظ حقوق فردی و امنیت ملی «ترک استبداد، احترام به قانون اساسی، رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر، لغو نظام تک حزبی، دادن آزادی مطبوعات و اجتماع، آزادی زندانیان سیاسی، دادن اجازه بازگشت به تبعیدها و برقراری حکومتی برخوردار از اعتماد عمومی و مراعات کننده قانون اساسی» خواستار شدند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۹).

در اولین مرحله شروع اعتراضات، یعنی در تیر ۱۳۵۶، چهل نفر از روشنفکران شامل شاعران، نویسندگان، اساتید دانشگاه در نامه‌ای به هویدا نخست وزیر وقت، با توجه به نوع و حوزه فعالیتشان در امور فرهنگی پایان دادن به سانسور، سرکوب فعالیت‌های فرهنگی، روشنفکری و هنری و آزادی زندانیان را که به جرم خواندن کتاب‌های ممنوع در بند هستند، را خواستند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۳۰). در این دوره، اعتراضات بیشتر به شکل مکتوب، یعنی تنظیم و ارسال بیانیه‌ها و نامه‌های سرگشاده، خطاب به سران کشور نوشته می‌شد. در اول مرداد ۱۳۵۶،

شصت و چهار حقوق دان برجسته طی بیانیه‌ای قاطع، پنجاه و چهار قاضی با فرستادن نامه‌ای به دیوان عالی کشور و همچنین ۲۹ نفر از رهبران جبهه ملی در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، مطالبات خود که همگی آن‌ها حول محور اجرای قانون اساسی و داشتن آزادی‌های فردی و جمعی می‌چرخید، اعتراضات و مطالباتشان را اعلام نمودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۲۰-۶۲۱). در ۶ دی ۱۳۵۶، جمعی از طلاب و محصلین مدارس حوزه علمی قم، تقاضاهای خود را به شرح زیر اعلام داشتند: آنان « بازگشت امام خمینی، پایان دادن به سانسور، بازگشایی مدرسه فیضیه و دانشگاه تهران - که هر دو به دنبال اعتراض اخیر دانشجویان بسته شده بودند - آزادی مطبوعات و اجتماعات، انحلال حزب رستاخیز، استقلال قوه قضائیه، حمایت از بخش کشاورزی، اعمال حاکمیت راستین ایران و پایان دادن به رابطه با قدرت های امپریالیستی را خواستار شدند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۲۲-۶۲۱).

در این مرحله از مبارزات که تشکل‌های سیاسی قدیمی تر، همچون جبهه ملی و حزب توده دوباره بازسازی می‌شوند، خواسته‌ها رنگ و بوی سیاسی پیدا می‌کند. بررسی بیانیه و نامه‌هایشان نشان می‌دهد که گروه‌های روشنفکری و روحانیت تحت فشارها و سرکوب‌گری‌های سیاسی که رژیم طی ۱۵ سال، تمام مجاری و مراکز مشارکت گروه‌های اپوزسیون را بسته بود، حول محور مسائلی همچون انحلال ساواک، محاکمه غیر نظامیان در دادگاه‌های مدنی، آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تمام تبعیدی‌ها به کشور، پایان دادن به سانسور، آزادی و حق تشکل به احزاب و گروه‌های سیاسی، اصناف و اتحادیه‌ها، برقراری دموکراسی واقعی، کسب استقلال راستین ایران در امور خارجی و مانند این‌ها دور می‌زند (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

با نگاهی به خواسته‌های انقلابیون به این نتیجه می‌رسیم که منافع گروه‌های انقلابی در انقلاب اسلامی نوعاً مطالبات جمعی است و منافع انقلابیون رنگ و بوی نوعی و عمومی دارد. چالشگران منافع خود را در براندازی و سرنگونی رژیم می‌دیدند و گروه‌های انقلابی در پی ترمیم نهادهای موجود و یا پدید آوردن نهادهایی که موجودیت نداشت، نبودند بلکه در پی از بین بردن تمامیت رژیم و جایگزینی نظامی دیگر بودند. هنگامی که تمامی خواسته‌های انقلابیون حول محور مطالبه سرنگونی رژیم و پایه گذاری جمهوری اسلامی جمع شد، همه گروه‌های بسیج‌گر و بسیج شونده انقلابی، این مطالبه را تأمین کننده منافع مد نظرشان دانسته و به دنبال تحقق

این در خواست، دیگر مطالبات را کنار گذارده و یک صدا خواهان اجرایی نمودن هدف مورد نظرشان بودند که در نهایت هم به آن رسیدند.

ب- شناسایی مؤلفه سازمان‌های انقلابی در انقلاب اسلامی

۱- سازمان‌های سیاسی - مذهبی فعال دههٔ چهل تا اوایل پنجاه

۱-۱- جبههٔ ملی و نهضت آزادی ایران

جبههٔ ملی اول در ۲۵ اسفند ۱۳۲۸ به عنوان جبهه‌ای از گروه‌های مختلف تشکیل شد و برنامه‌های خود را اعلام نمود. این جبهه با به قدرت رسیدن دکتر محمد مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰، در اوج قدرت بود و پس از واقعهٔ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از هم پاشید. شماری از افراد جبهه که گرایش‌های مذهبی داشتند، در حرکتی با عنوان نهضت مقاومت ملی که بعد از کودتا شکل گرفت، با یکدیگر آشنایی پیدا کردند: افرادی چون آیت الله حاج سید رضا زنجانی، یدالله سحابی، مهدی بازرگان، منصور عطایی، رحیم عطایی (دو خواهرزادهٔ بازرگان)، آیت الله طالقانی و عده‌ای دیگر، چهره‌های مذهبی نهضت مقاومت ملی بودند که با به دست آوردن فضای سیاسی آزاد سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ نهضت آزادی ایران را پایه‌گذاری نمودند (منصوری، ۱۳۷۸: ۶۵). نهضت آزادی بر خلاف جبههٔ ملی که از ایدئولوژی خاصی پیروی نمی‌نمود، با هدف راه انداختن جریان مکتبی مذهبی و مبارزه‌ای در فضای آن روز جامعهٔ ایران که گروه‌های مختلفی تحت مکاتب فکری مارکسیسم، سوسیالیسم، کمونیسم، لیبرالیسم و مانند این‌ها فعالیت می‌نمودند، مبارزهٔ خود را آغاز نمود (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۷۰).

۱-۲- هیأت‌های مؤتلفهٔ اسلامی

یکی از سازمان‌ها یا تشکل‌های فعال در انقلاب اسلامی که طی تحولات سه سالهٔ نهضت اسلامی روحانیون در قم به رهبری امام (ره) در دههٔ چهل به صورت تشکل منظم و سازمان یافته پا به عرصهٔ وجود گذاشت هیأت‌های مؤتلفهٔ اسلامی بود. مجموعهٔ اعضای تشکیل دهندهٔ این سازمان که بیشتر روحانیون و نیروهای جوان و متدین بازار تهران بودند، تا قبل از این هم تشکل‌های نامنظم و غیرسازمانی در مساجد و حسینیه‌ها در ایام محرم و رمضان داشتند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

۱-۳- حزب ملل اسلامی

یکی دیگر از سازمان‌های مذهبی در آستانه دههٔ چهل در ایران با هدف سیاسی نمودن مذهب و مبارزه با تفکر جدایی دین از سیاست پا به عرصهٔ اجتماعی نهاد، حزب ملل اسلامی بود. طرح تأسیس این حزب در سال ۱۳۴۰ توسط رهبر آن ریخته شد و فعالیتش برای عضوگیری در سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ آغاز گشت و در فاصلهٔ کوتاهی توانست شماری از نیروهای جوان مذهبی را به خود جذب کند. پس از لو رفتن تشکیلات و دستگیری همهٔ اعضا، به سرعت از هم پاشید و تنها رهبران آن، برای سال‌ها در زندان رژیم باقی ماندند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

۱-۴- جریان‌های انجمن‌های اسلامی

در اردیبهشت سال ۱۳۴۰، کنگره‌ای از انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، دانشجویان، معلمان، انجمن تبلیغات اسلامی شهاب پور، کانون نشر حقایق اسلامی و کانون توحید (جمعاً ۱۳ گروه از تهران و شهرستان‌ها) و عده‌ای از شخصیت‌های روحانی و روشنفکر و آزادی خواه همچون آقای طالقانی و غیره در تهران تشکیل گردید (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۲۱). سال بعد، این کنگره با حضور ۱۷ گروه بار دیگر تجدید شد. شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که حتی برخی از مراجع تقلید نیز با ارسال پیام و فرستادن نماینده از این جریان حمایت نمودند (بازرگان، ۱۳۶۲: ۲۱-۲۰ و سید ناصری - ستوده، ۱۳۷۸: ۴۹۲).

مهم‌ترین اقدام انجمن اسلامی در آن سال‌ها که بسیار تأثیرگذار و همراه با موفقیت بود، همسو نمودن و ایجاد ائتلاف میان جریان‌های روشنفکری و روحانی یا به تعبیر دیگر اتحاد میان حوزه و دانشگاه بود. به عنوان نمونه، انجمن اسلامی پزشکان و انجمن اسلامی مهندسين با برقراری جلسات مذهبی گسترده، زمینهٔ پدید آمدن برخی از آثار دینی ارزشمند که نقشی چشمگیر در انقلاب اسلامی داشت، فراهم نمود. یکی از این نتایج، کتاب مسألهٔ حجاب شهید مطهری بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

۱-۵- سازمان مجاهدین

سازمان مجاهدین فعالیت گروهی و سازماندهی شده خود را از شهریور سال ۱۳۴۴ آغاز نمود. رهبران سازمان در اولین اقدام، مجموعهٔ تفاسیر از دین اسلام را کافی ندانستند. آن‌ها با ایجاد گروه‌های بحث، به تدوین ایدئولوژی دینی و سیاسی خود پرداختند و کوشیدند تا متونی را تدوین

نمایند که به عنوان متن آموزشی در دسترس اعضای سازمان قرار بگیرد (روحانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۵۸-۵۵۷). اما از سال ۵۱ به بعد اعضای سازمان بیش از پیش به ایدئولوژی مارکسیسم رو کرده و مطالب زیادی در مورد انقلاب‌های کوبا، ویتنام، چین و روسیه مطالعه نمودند. درست از این زمان بود که آن‌ها ایدئولوژی سازمان را ترکیبی از اسلام و مارکسیسم اعلام کردند و از اسلام خوانشی مارکسیستی را شروع نمودند (شعبان، ۱۳۸۲: ۱۴۱). بعد از سعی در التقاط اسلام و مارکسیسم و برگزاری سلسله نشست‌ها و سخنرانی‌هایی در این زمینه، سازمان در قدم بعدی به تولید آثار مکتوبی متاثر از این دو مکتب برای آگاهی اعضا پرداخت (میثمی، ۱۳۸۰: ۴۰۰).

۱-۶- سازمان چریک‌های فدایی خلق

در فروردین ۱۳۵۰ سازمان چریک‌های فدایی خلق اعلام موجودیت کرد. مارکسیسم، لنینیسم ایدئولوژی رسمی آن بود. در دی ماه ۱۳۴۶ دو تن از رهبران، بدون آنکه عملیاتی انجام داده باشند، دستگیر شدند و سایر افراد به صورت گروه‌های مختلف در کوه، جنگل و شهر سازماندهی شدند. مشی این گروه مبارزه مسلحانه بود. برخی از اعضای آن‌ها در جریان خلع سلاح پاسگاه سپاهکد دستگیر شدند. تشکیل این سازمان بیشتر نتیجه احساس سرخوردگی و حقارت کمونیست‌های ایران از وضعیت حزب توده و رویه سازشکارانه آن از یک سو و پیشتازی روحانیت و عناصر مسلمان در ماجرای قیام ۱۵ خرداد از سوی دیگر بود. در آبان ۱۳۵۶ گروهی از چریک‌های فدائی با نام گروه منشعب از چریک‌های فدایی خلق انشعب کرده و به حزب توده پیوستند (تاریخچه گروه‌های تشکیل دهنده ...، ۱۳۶۰: ۹۰-۷۰).

۱-۷- حزب توده

حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ به دنبال تشکیل جمعی از روشنفکران رسماً تأسیس شد. هسته اصلی این حزب، عده‌ای از گروه معروف به ۵۳ نفر بودند. این گروه تنها جریان مارکسیستی قبل از شهریور ۱۳۲۰ نبود، چرا که چندین سال قبل در انزلی، حزب کمونیست ایران تشکیل شده بود. حزب توده با حمایت مادی و معنوی شوروی در دوران اشغال ایران تأسیس شد و یک حزب وابسته و زیرسلطه کامل شوروی بود. عمل حزب در ماجرای پشتیبانی از دادن امتیاز نفت شمال به شوروی، کارشکنی‌ها در مقابل دولت ملی مصدق، کمک غیرمستقیم به شکست وی با سکوت پرمعنا در مقابل واقعه ۲۸ مرداد، با وجود داشتن سازمان نظامی هزار نفری، محکوم

کردن قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با عنوان «حرکت فتودال‌ها و روحانیون مرتجع و مخالف اصلاحات» از جمله فعالیت‌ها و مواضع حزب توده طی آن سال‌ها است. حزب در ابتدای فعالیتش از بیان مرام خود طفره می‌رفت، اما بعد از سال ۱۳۲۹ شمسی در اساسنامه خود، حزب توده ایران را سازمان سیاسی طبقه کارگر دانست و جهان بینی آن را مارکسیسم - لنینیسم و اصول تشکیلاتی آن را ناشی از همین جهان بینی قلمداد کرد.

حزب توده مدت‌ها قبل از ۱۵ خرداد از صحنه مبارزه با رژیم شاه کنار رفته بود و تشکیلات خود را به خارج از کشور منتقل کرده و دائماً درگیر اختلافات درونی بود. ضمناً برخی از سران و اعضای این حزب پس از دستگیری به سمت رژیم غلطیده و تا حد اشغال پست‌های حساس در رژیم شاه پیش رفتند. سیاست‌های حزب توده تابعی مستقیم از مواضع مسکو بود. سیاست کرملین در ۲۵ ساله آخر سلطنت شاه، حفظ روابط با رژیم شاه و از دست ندادن موقعیت‌های اقتصادی در ایران بود. فعالیت‌های حزب توده در این دوران که به صدور بیانیه‌های سیاسی و پخش برنامه‌های رادیویی از خارج از کشور محدود بود؛ بیشتر به عنوان اهرم فشاری از سوی مسکو برای مقاصد اتحاد شوروی مورد استفاده قرار می‌گرفت (نوذری، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

۱- سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - مذهبی فعال در آستانه انقلاب اسلامی

۲-۱- گروه امت واحده

گروه امت واحده سازمانی متشکل از شماری زندانیان سیاسی بود که برخی از آنان تا پیش از ماجرای ارتداد از همکاران مجاهدین و یا سمپات برخی از جریانات چپ بودند. این گروه که مذهبی ماندند، در جریان نزاع‌های داخلی زندان میان مارکسیست‌ها، التقاطی‌ها و مومنان واقعی، در سال ۱۳۵۵ شکل گرفتند و در واقع هسته اولیه آنان در زندان در مقابله با منافقین و مارکسیست‌ها گذاشته شد (تاریخچه گروه‌های تشکیل دهنده ...، ۱۳۶۰: ۵۰-۳۰).

۲-۲- گروه منصورون

یکی دیگر از گروه‌های فعال پیش از انقلاب، منصورون بود که بخشی از نیروهای آن، کسانی بودند که از مجاهدین پس از ماجرای ارتداد جدا شدند و تعدادی هم از نیروهایی بودند که در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به این گروه پیوستند. صفاتی، کریم رفیعی، علی جهان آرا، محسن رضایی، محمد باقر ذوالقدر و علی شمخانی از اعضای اصلی این گروه بودند. این سازمان از طریق آقای

راستی کاشانی ارتباط خود را با مرجعیت حضرت امام حفظ می نمودند. بیشتر اعضای این سازمان از مناطق جنوبی ایران بودند و فعالیت های مستمری در آن مناطق داشتند (تاریخچه گروه های تشکیل دهنده ...، ۱۳۶۰: ۶۱-۵۳).

این سازمان که تنها پایبند به ایدئولوژی اسلامی بود، در اقدامی بدیع دست به جایگزینی واژگان انقلابی رایج با استفاده از واژگان قرآنی زد. به عنوان نمونه، آن ها به جای واژه جمع بندی از کلمه عبرت، برای خانه تیمی از واژه حصن و برای واژه انتقاد از تعبیر قرآنی توأسی استفاده می نمود و حتی خود سازمان هم از واژه قرآنی گرفته شده بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۱۸). گروه منصورون فعالیت های مسلحانه ای هم در راستای پیروزی انقلاب داشت که بیشتر آن در همان سال های ۵۶ و ۵۷ انجام گرفت. کشتن سرگرد عیوقی رئیس گارد دانشگاه جندی شاپور و چندین نفر از مسؤولان شهربانی در نقاط مختلف از جمله اقدامات مسلحانه این گروه بود. برپایی و حفظ جریان اعتصابات جنوب توسط این گروه انجام شد (تاریخچه گروه های تشکیل دهنده ...، ۱۳۶۰: ۲۴۳-۱۲۹).

۲-۳- گروه فلق

گروه فلق را جمعی از دانشجویان مذهبی که در خارج از کشور فعال بودند و در آستانه انقلاب به ایران برگشته بودند، تشکیل می دادند. این گروه بعد از انقلاب در قالب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با دیگر گروه ها ائتلاف نمودند و عامل شکل گیری جریان اسلام روشنفکرانه در مقابل اسلام فقهاتی گروه منصورون شدند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۱۹).

۲-۴- گروه فلاح

این گروه سازمانی است که طرح آن در سال ۵۰-۴۹ ریخته شد. در سال ۵۳ این سازمان پیشنهاد ائتلاف با گروه مهدیون اصفهان را که از مجاهدین جدا شده بودند، ارائه دادند که به علت تفاوت های ایدئولوژیکی این ائتلاف شکل نگرفت. مرتضی الویری از شاخص ترین چهره های این سازمان بود. فلاح در سال های ۵۶ و ۵۷ فعالانه در نهضت اسلامی شرکت داشت. آن ها طی این سال ها با گروه های کوچک تری مانند ندای امت و اخوان المسلمین همکاری می کردند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

۲-۵- گروه بدر

فعالیت این سازمان از سال ۵۴ توسط بچه‌های مسلمان شهر ری تهران آغاز شد. این گروه که متأثر از اعدام چند نفر از خانواده مشهور طیب رضایی از جوانمردان جنوب شهر تهران شکل گرفته بود، به گروه رضایی هم شهرت داشت. این گروه بسیار متأثر از رهبری انقلاب امام (ره) بود و در تمامی امور و فعالیت‌های خود از ایشان و نمایندگان ایشان در ایران همچون شهید شاه آبادی استفتاء می‌نمود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

۲-۶- گروه صف

این سازمان در سال ۱۳۵۵ ش. توسط افرادی چون محمد بروجردی، حسین صادقی و سلمان صفوی در شهر اصفهان پایه گذاری شد. اعضای این سازمان بخشی از اعضای سازمان مجاهدین بودند که از آن سازمان جدا شده بودند. این سازمان که در اصفهان مسؤولیت برپایی تظاهرات و اقدامات انقلابی را بر عهده داشت، از لحاظ ایدئولوژیکی از آقایان پرورش و طاهری مشورت می‌گرفت. البته، اعضای این سازمان با نمایندگان امام مثل شهید مطهری و شهید بهشتی در فعالیت‌هایشان مراوده داشتند. منفجر کردن کاباره خوانسالار در تهران نمونه‌ای از فعالیت‌های این سازمان بود (براتی، ۱۳۷۵: ۴۶-۴۵).

۳- تشکله‌ها و یا گروه‌های غیر سازمانی (مساجد و حسینیه‌ها و...)

در کنار گروه‌ها و تشکلهایی که از آن‌ها یاد شد، مجموعه‌ای از گروه‌ها و سازمان‌هایی در دوره مورد نظر موجود بودند که اگر چه شکل سازمان رسمی نداشتند، اما در روند پیروزی انقلاب تأثیر بسزایی در تهییج و بسیج عمومی داشتند. این گروه‌ها از دو جهت با سازمان‌های مذکور که پیش از این شکل گرفت، به طور کلی تفاوت داشتند: اولاً، شکل گیری این گروه‌ها حول محور یک شخصیت، خصوصاً اشخاص روحانی بود. ثانیاً، محل مخصوص و برنامه یا نظامنامه‌ای سازمانی نداشتند.

فعالیت‌های حسینیه‌ارشد (که توسط جمعی از سخنرانان روحانی و غیر روحانی خصوصاً دکتر شریعتی اداره می‌شد و بین سال‌های ۴۶ تا ۵۱ نوعی پایگاه اپوزسیون بود)، مسجد هدایت در تهران که طی فاصل سال‌های ۴۸ تا ۵۷ توسط آقای طالقانی اداره می‌شد و جمعی دیگر از روحانیون مانند شهید باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله امامی کاشانی و شهید مطهری

در آن جا سخنرانی می نمودند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۴۳). مسجد الجواد با محوریت شهید مطهری، مسجد جامع نارمک، مسجد جاوید با محوریت شهید مفتاح، مسجد جلیلی با محوریت آیت الله مهدوی کنی، کانون توحید با محوریت آیت الله موسوی اردبیلی، مسجد حاج عزیزالله و محافل و چون مجلسی که چهارشنبه‌ها در منزل شهید بهشتی تشکیل می‌شد، نمونه‌هایی از محافل و مساجد غیررسمی فعال در حد فاصل دهه ۱۳۴۰ ش. و ۱۳۵۰ ش. و خصوصاً سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی بود که نقش گسترده‌ای در پیروزی انقلاب داشتند (کرباسچی، ۱۳۷۱: ۵۰۰-۴۷۰).

مهم ترین نکته درباره سازمان‌های انقلابی فعال در انقلاب اسلامی آن است که هیچ کدام از سازمان‌های انقلابی دقیقاً تأمین کننده معنای سازمان انقلابی تعریف شده در دستگاه نظری بسیج تیلی نبوده و علی رغم انجام اقدامات سازمانی از سوی هر یک از این سازمان‌ها یا انجمن‌های مخفی، هیچ کدام از آنها (غیر از مساجد) را نمی‌توان به عنوان یک سازمان، گروه و یا حزبی که انقلاب را هدایت نموده، محسوب کرد. در انقلاب اسلامی، این شبکه مذهبی بود که نقش سازمان دهی انقلابی توده‌ها را به جای احزاب و سازمان‌های دیگر آنان ایفا نمود. این شبکه مذهبی دارای زیر شبکه‌هایی بود که کار سازمان دهی انقلابی و جمع‌آوری منابع بسیج شونده را سهل تر می‌نمود. نهادهای سنتی مذهبی موجود در جامعه ایران همچون شبکه‌هایی به هم پیوسته، ارتباطی و زنجیره‌ای در یک بافت سنتی، فراتر از حزب مدرن عمل نمود. این شبکه منحصر به فرد نه تنها امکان جمع‌آوری یا بسیج منابع را به عهده داشت بلکه با توجه به پتانسیل درونی خود تمامی گروه‌های مختلف را با توجه به دیدگاه‌های مختلف و حتی متضادی که با یکدیگر داشتند، به سهولت در کنار یکدیگر جمع می‌نمود. از دیگر کارکردهای سازمانی این شبکه سازمانی انقلابی که بر محور مساجد (که همانند دفاتر حزبی عمل می‌کرد) قرار گرفته بود، امکان تجمع و دریافت آخرین اخبار و اعلامیه‌ها از طریق ارتباطات بین شبکه‌ای بود. البته وجه تمایز سازمان‌های انقلابی که به آن اشاره کردیم، آن بود که مجموعه سازمان‌های انقلابی در انقلاب اسلامی بسیار فراگیر و سازمان یافته بودند.

البته، هر چند مرکز فعالیت‌های سازمان‌های انقلابی در تهران بود، اما گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی در دیگر شهرهای ایران اقدامات مبارزاتی خود را به صورت شبکه‌ای دنبال می‌کردند. به

عنوان نمونه، در بیشتر شهرهای نفتی ایران در جنوب، و همچنین در اکثر مراکز استان‌ها، سازمان‌های انقلابی اقدامات بسیج‌گری و کنش جمعی همچون برپایی تظاهرات، اعتصابات و در مواردی هم ترور برخی شخصیت‌های رژیم را عهده دار بودند.

پ- انواع منابع در انقلاب اسلامی

۱- منابع اجبارآمیز در انقلاب اسلامی

در انقلاب اسلامی، منابع اجبارآمیز شامل سلاح‌ها، نیروهای مسلح و فن‌آوری‌های دستکاری‌کننده در حد فاصل مبارزات انقلابیون طی یک سال چالش‌گری انقلابیون از جایگاه مورد ذکر بر خوردار نبوده است. رمز پیروزی و موفقیت انقلابیون بهره‌مندی از شگردهای غیرخشن و عدم توسل به زور بود که جان‌فوران در این باره اذعان می‌دارد: «میزان مشارکت گسترده توده‌ها از آن رو پیروزی انقلاب را تضمین کرد که مردم با انضباط خاصی از شگردهای غیرخشن و عدم توسل به زور استفاده می‌کردند، هرچند سرکوب‌خشن رژیم موجب کشته شدن ده تا ۱۲ هزار نفر در فاصله ژانویه ۱۹۷۸ (دی - بهمن) تا فوریه ۱۹۷۹ (بهمن - اسفند ۱۳۵۷) گردید». تنها در چند روز آخر انقلاب بود که پادگان‌ها به دست مردم افتاد و انقلابیون با استفاده از سلاح‌های به دست آمده توانستند با ارتش و گارد شاهنشاهی مقابله کنند (فوران، ۱۳۷۷: ۵۶۷).

۲- منابع فایده‌مندانه در انقلاب اسلامی

منابع فایده‌مندانه شامل پول، کالاها و خدمات اطلاع‌رسانی در انقلاب اسلامی توسط گروه‌های مختلف بسیج‌گر تأمین می‌شد. پول و کالاهای مصرفی را بازاریان تأمین می‌نمودند. البته، برخی روحانیون و مراجع تقلید به علت امکان مالی که توسط مردم برای آن‌ها فراهم بود، منافع فایده‌مندانه‌ای مانند کالاها و حمایت‌های مالی خود را دریغ نمی‌نمودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۵۰). روشنفکران هم در این مورد نقش بسزایی داشتند. افرادی نظیر دکتر شریعتی با برپایی مراسم سخنرانی در حسینیه ارشاد خدمات ارزنده‌ای را در آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی و ایجاد تنفر و انزجار ملت از رژیم نمود. روشنفکران و روحانیون رده پایین‌تر با چاپ و نشر اعلامیه‌ها، بیانیه‌های رهبر انقلاب که در تبعید بود و همچنین نشر کتاب‌های ممنوعه اقداماتی در این راستا انجام می‌دادند (فرهادی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

۳- منابع هنجاری در انقلاب اسلامی

منابع هنجاری شامل تعهد، احساس تکلیف و وفاداری است. در جامعه شیعی ایران همیشه از شعائر مذهبی، با برپایی مراسمی برای احیای مفاهیم صبر و فداکاری استفاده شده است. این سنت‌ها که در فرهنگ و تجربه جمعی مردم جای گرفته‌اند، در واقع، از نظر ایجاد حس تعهد و تکلیف که به نوبه خود می‌تواند برای تضمین عمل جمعی مورد استفاده قرار گیرد، اهمیت زیادی دارند (سمتی، ۱۳۷۵ : ۶۸). در انقلاب اسلامی، روحانیون با در دست داشتن نظام‌های معنایی ریشه دار در فرهنگ شیعی توانستند نقش مسلطی را ایفا نموده و با استفاده از منابع فرهنگی، ارزشی و غیر مادی مردم را بسیج نمایند (سمتی، ۱۳۷۵ : ۷۰).

ت- انواع بسیج در انقلاب اسلامی

۱- بسیج تدافعی در انقلاب اسلامی

تعرض به منابع در دست گروه‌های انقلابی از سال ۱۳۵۳ با تشکیل حزب رستاخیز شروع شد و مجموعه اقدامات این حزب در مرحله اول واکنش بدنه اقتصادی مخصوصاً بازاریان و خرده فروشان را برانگیخت (آبراهامیان، ۱۳۷۷ : ۶۴۶-۶۴۵ و فوران، ۱۳۷۷ : ۵۵۴). همچنین «دولت مستقیم و غیرمستقیم قدرت روحانیون را تضعیف می‌کرد و شاه را یک رهبر مترقی جلوه می‌داد و روحانیت را واپسگرایان قرون وسطایی می‌نامید. به جای تقویم هجری قمری و خورشیدی، تقویم شاهنشاهی را در ۲۵۳۵ (۱۳۵۵) برقرار کرد، ... چاپخانه‌های کتاب‌های دینی را بست، اداره اموال موقوفه را به دست گرفت، سازمان‌های دانشجویی دینی را منحل کرد، قانون جدید حقوق خانواده را به تصویب رساند و سن زناشویی را بالا برد. دولت علاوه بر این‌ها، روحانیت مخالف را در معرض حملات مستقیم قرار داد و به توقیف، تبعید و شکنجه مخالفان اقدام کرد. در ۱۹۷۰ م / ۱۳۴۹ ش. آیت الله محمد رضا سعیدی تا سر حد مرگ شکنجه شد. در ۱۹۷۵ م / ۱۳۵۴ ش. آیت الله‌های سرشناس نظیر بهشتی، منتظری، قمی، شیرازی، زنجانی و روحانیان رده‌های پایین‌تر توقیف شدند» (فوران، ۱۳۷۷ : ۵۰۰ و آبراهامیان، ۱۳۷۷ : ۵۴۷-۵۴۶). آنچه مشخص است، رژیم از طریق حزب رستاخیز از یک سو علیه مذهب و قدرت روحانیت و از سوی دیگر با انجام امور اقتصادی توسط این حزب مبارزه‌ای جدی شروع کرده بود و قصد داشت مذهب را از انحصار روحانیت و اقتصاد را از انحصار طبقه متوسط سنتی خارج نموده و آن را ملی کند.

اگر چه در دوره مورد نظر رژیم پهلوی به منابع در دست روشنفکران تعرض نمود؛ اما کارگران و به طور کلی گروه های بسیج شونده (طبقات محروم)، به علت مجموعه اقدامات اقتصادی که از طرف دولت برای مهار تورم اتخاذ شده بود، در وضعیت بسیار نامناسب اقتصادی به سر می بردند و فشارهای سیاست های اقتصادی دولت بر دوش آن ها افتاده بود که به نوعی این شرایط نامطلوب تعرض به منابع در دستشان می شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۳).

۲- بسیج تهاجمی در انقلاب اسلامی

اما به غیر از بسیج تدافعی در این انقلاب نوع دیگر بسیج گری، بسیج تهاجمی است. در انقلاب اسلامی، گروه های انقلابی در واکنش به فرصت های پیش آمده منابع خود را برای تحقق مطالباتی که پیش از آن به عنوان حقشان تلقی نمی شد، بسیج کردند. باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور توسط اقدامات تسهیل گرایانه دولت و دربار، بحران اقتصادی به شکل تورم حاد، موفقیت انقلابیون در انجام برخی کنش های انقلابی همچون برپایی تظاهرات مسالمت جویانه، به علاوه رخ دادن وقایعی همچون حادثه آتش سوزی سینما رکس آبادان، واقعه ۱۷ شهریور یا همان جمعه سیاه و رهبری بلامنازع، فراگیر و کاریزماتیک امام (ره) که به عنوان عواملی شتابزا در اختیار هسته بسیج گر قرار گرفت، از لحاظ وضعیت عینی و ذهنی برای رهبران جنبش و ملت فرصت های مناسبی برای چالشگری با حکومت و برای طرح خواست های جدید (همچون سرنگونی رژیم پهلوی و برپایی نظام جمهوری اسلامی) ارزیابی شد و به این ترتیب بسیج تهاجمی انقلابیون شکل گرفت (گل محمدی، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

ث- فرصت / تهدید در انقلاب اسلامی

در سال های پایانی عمر رژیم شاهنشاهی که به گفته تمامی تحلیل گران علوم سیاسی رژیم در اوج قدرت به سر می برد، دو اتفاق غیرمنتظره این پیش بینی ها را کاملاً بی اعتبار ساخت. دو بحران فرصت ساز برای انقلابیون عبارت بود از:

۱- بحران اقتصادی به شکل تورم حاد

تورم در ایران که در نیمه دوم ۱۳۴۰ شمسی تقریباً در اقتصاد ایران به صفر رسیده بود، دوباره در اوایل ۱۳۵۰ به ترتیب در سال های ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ به ۱۲۶، ۱۶۰ و ۱۹۰ رسید. البته، این تورم در مورد کالاهای ضروری مانند مواد غذایی و مسکن، به ویژه در شهرها بیشتر چشمگیرتر

بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۳). رژیم بدون توجه به پیچیدگی‌های علل تورم، راه حل‌های ساده‌ای در پیش می‌گیرد و به سراغ تجار عمده می‌رود و تعدادی از آن‌ها را دستگیر می‌کند. در مرحله دوم وقتی پی می‌برد که جنگ علیه سرمایه داران و تجار عمده مشکل تورم را از بین نمی‌برد، به سراغ مغازه داران و تجار خرده پا می‌رود (فوران، ۱۳۷۷: ۵۵۶).

۲- بحران نهادی ناشی از اعمال فشارهای خارجی

همزمان با بحران اقتصادی در کشور، دولت‌ها و سازمان‌های خارجی نیز که داعیه حکومت دموکراسی را داشتند، شاه را در فشار قرار دادند تا سیاست‌های سرکوب گرانه اش را تا حدود زیادی کاهش دهد. «در اواخر سال ۱۳۵۴، سازمان عفو بین‌الملل که در لندن مستقر بود، پی برد که ایران یکی از بزرگ‌ترین رژیم‌های نقض کننده حقوق بشر در جهان است. کمیسیون بین‌المللی قضاوت در ژنو، رژیم را به شکنجه دادن زندانیان و نقض حقوق مدنی شهروندان خود متهم نمود. علاوه بر دو سازمان مذکور، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل، در نامه‌ای سرگشاده به شاه، رژیم را به نقض شدید حقوق بشر متهم کرده و از شاه درخواست می‌کند تا این وضع اسفبار را در ایران خاتمه دهد» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۵).

در همین دوران، یعنی در سال ۱۳۵۵ جیمی کارتر صریحاً اعلام کرد که آمریکا باید برای حفظ آزادی سیاسی و اجتماعی مردم ایران گام‌های مؤثری بردارد. هر چند به خوبی روشن نیست که آیا دولت جدید واشنگتن واقعاً رژیم ایران را برای دادن آزادی‌های بیشتر در فشار قرار داد یا نه، اما بی‌گمان پیروزی کارتر طرز فکر شاه و مخالفان را دگرگون ساخت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۷). «مرگ سیاستمداران واقع‌گراتر و با تجربه‌تر - از جمله علم، علاء، اقبال، ساعد، حکیمی، بیات، سیدضیاء، قوام، سهیلی و فضل‌الله زاهدی - باعث شد تا حلقه مشاوران شاه به گروه کوچکی از بله قربان گوه‌های جوان تبدیل شود» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۸).

ج- سرکوب / تسهیل در انقلاب اسلامی

«واکنش دولت در برابر رویدادها آمیزه‌ای از سرکوب و امتیازدهی بود» (فوران، ۱۳۷۷: ۵۷۸-۵۷۷). اتخاذ سیاست‌های دوگانه رژیم پس از انتشار مقاله رشیدی مطلق در ۱۷ دی که زنجیره‌های چپ‌ها را در اکثر شهرهای ایران رقم زد بیانگر اتخاذ سیاست‌های سرکوب /

تسهیل رژیم است. «[حکومت] کوشید تا با تهدیدهای خشونت آمیز رهبران مخالف غیرمذهبی را مرعوب کند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۲۷).

اما رژیم همزمان با اتخاذ این سیاست‌های سرکوب، دست به مجموعه اقداماتی زد که در بطن آن تا حد زیادی هزینه‌های مخالفین را کاهش می‌داد و نوعی امتیاز یا تسهیل بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۲۸-۶۲۷).

این سیاست‌های دوگانه از سوی رژیم بعد از سلسلهٔ چهل‌ها تا حدی کارساز افتاد که در اواسط خرداد ماه با توجه به آرامش دو ماهه، آموزگار با اطمینان گفت که «بحران پایان یافته است» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۲۹). مجموعه اقدامات تسهیل گرایانهٔ رژیم در ۱۳۵۷/۶/۵ با روی کار آمدن دولت آشتی ملی توسط جعفر شریف امامی کامل شد. هر چند اقدامات دولت آشتی ملی، طی فاصلهٔ زمانی‌اش از تاریخ ۱۳۵۷/۶/۵ تا ۱۳۵۷/۸/۱۴ که دولت نظامی ازهارای به سر کار آمد، بیشتر تسهیل بود تا سرکوب، اما در این دوره آمیزه‌ای از هر دو به نفع تسهیل بود. البته، از واقعهٔ میدان ژاله که در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ رخ داد، به هیچ وجه نمی‌توان چشم پوشی کرد.

شاه پس از روی کار آوردن دولت نظامی ازهارای، در راستای ایجاد رعب و وحشت، شش پست وزارت را به چند افسر عالی رتبهٔ نظامی واگذار کرد. وزیر جدید کار، ارتشبد غلامعلی اویسی، بی درنگ در خوزستان حکومت نظامی برقرار ساخت. اعضای کمیتهٔ اعتصاب منتخب کارگران پالایشگاه را دستگیر نمود و تهدید کرد که کارگرانی که بر سر کارهای خود باز نگردند، اخراج خواهند شد. البته، علی رغم اعمال سیاست‌های سرکوب گرایانه از سوی رژیم، در این دوره باز هم شاهد اقدامات تسهیل گرایانهٔ شاه و دولت نظامی‌اش هستیم. شاه که با اعلام شنیدن صدای انقلاب در ۱۵ آبان نیروی مضاعفی به گروه‌های انقلابی بخشیده بود، باز هم با اقدامات سهل گیرانه‌اش برگ زیتون صلحی به مخالفان نشان داد (حاضری و صالح آبادی، ۱۳۸۳: ۱۲).

بختیار که هر روز اوضاع را خارج از کنترل خود می‌دید، در کنار سیاست‌های تسهیل گرایانه‌اش، از سرکوب‌گری هم غافل نشد. وی با لحنی تهدید آمیز گفته بود چنانچه مخالفان بخواهند برای برقراری حکومت مشروطه‌اش مانع ایجاد کنند، ارتش از الگوی شیلی پیروی می‌کند و دیکتاتوری نظامی خشن و سرکوب‌گری به وجود خواهد آورد (حاضری و صالح آبادی،

۱۳۸۳: ۲۰). مهم‌ترین اقدام سرکوب گرایانه‌اش در طول ۳۷ روز نخست وزیری‌اش، بستن فرودگاه‌های کشور برای ممانعت از ورود امام بود که در ۷ و ۸ بهمن ماه، در جریان اعتراض به بسته شدن فرودگاه، بیست و هشت نفر کشته شدند (ونس، ۱۳۶۲: ۴۷ و حسینیان، ۱۳۸۵: ۷۹۵-۷۹۲).

چ- تحلیل وضعیت قدرت در انقلاب اسلامی

در نظر اکثر پژوهشگران، ساخت قدرت در این دوره شخصی بوده است. حلقه داخلی قدرت در زمان محمدرضا شاه از میان نخبگان اعضای خانواده سلطنتی، درباریان، رهبران نظامی و امنیتی، اعضای رده بالای مجالس سنا و شورا، وزراء، معاونین وزیران و اعضای رده بالای تجاری و حرفه‌ای بودند (نوروزی، ۱۳۷۵: ۱۸۱-۱۸۰). گرچه دیوان سالاری، ارتش و حمایت مالی دربار سه ستون اصلی نگه دارنده رژیم بود، اما در سال ۱۳۵۳ شاه تصمیم گرفت ستون چهارمی نیز- دولت تک حزبی- ایجاد کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۴۴-۵۴۱).

تمامی تمهیدات مذکور برای مقابله با نا آرامی‌های داخلی فراهم شده بود. شاهد مدعی فوق این که، دولت آمریکا در روز ۹ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۸ آبان ۱۳۵۷) با روی کار آمدن دولت نظامی از هاری، موافقت خود را با فروش وسایل ضد شورش به دولت ایران اعلام کرد. بنابراین، قدرت نظامی شاه یعنی ارتش بدون کمک دولت آمریکا توان مقابله با ناآرامی‌های داخلی را نداشت. گروه‌های تحت رهبری امام برخلاف رژیم و شاه از قدرت فراوانی برخوردار بودند. اگرچه مخالفین رژیم از قدرت سیاسی برخوردار نبودند، در مقابل از قدرت اجتماعی یعنی حمایت مردمی فوق العاده‌ای برخوردار بودند. ناکارآمدی ارتش در سرکوب انقلابیون، بیعت نظامیان با رهبری انقلاب، حضور و پیوستن افسران ارتش در مراحل نهایی پیروزی انقلاب همگی بیانگر قدرت فراگیر انقلابیون در مقابل رژیم است (استمپل، ۱۳۷۷: ۱۹۰).

علاوه بر موارد فوق، روحانیت و علما با توجه به شبکه‌های اجتماعی مردمی تحت اختیارشان هم دارای اقتدار اجتماعی بوده و هم در اثر حمایت‌های مالی مردمی از قدرت اقتصادی در برابر حکومت برخوردار بودند. بازار به علت در دست داشتن بخش عظیمی از اقتصاد کشور، توان مقابله با رژیم را داشت. مجموعه امتیازاتی که رژیم در دوران مبارزه یک‌ساله به انقلابیون داد، همگی بیانگر قدرت آن‌ها است. شاه، علی رغم تشکیل دولت نظامی، باز هم در مقابل قدرت

انقلابیون سر تعظیم فرود می‌آورد و دست به مجموعه اقداماتی زد که بیانگر ضعف وی در مقابل انقلابیون بود.

بنابراین، قدرت انقلابیون با توجه به منابع تحت اختیارشان به مراتب بیشتر از دولت یا حکومت مرکزی بود.

ح- انواع کنش‌های جمعی در انقلاب اسلامی

در این انقلاب، دو نوع کنش جمعی واکنشی و کنش جمعی ابتکاری توسط گروه‌های مختلف انقلابی صورت گرفت. چنانچه مجموعه گروه‌های انقلابی را در یک دسته بندی کلی طبقه متوسط سنتی شامل بازار و روحانیون، طبقه متوسط جدید شامل روشنفکران و دانشگاهیان و گروه سوم کارگران صنعتی و کارکنان دولتی متصور شویم، در دوره مورد نظر هر کدام از آنها در واکنش به دفاع از منابع خود بر می‌خیزند. تعرض به منافع گروه‌های انقلابی با تشکیل حزب رستائیز شروع شد. رژیم حمله گسترده و هم زمانی از طریق حزب رستائیز علیه مذهب و قدرت روحانیت شروع کرد. روحانیون در برابر این اقدامات سکوت اختیار نکردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۴۸-۶۴۷). رژیم بازاریان را مانع پیشرفت‌های اقتصادی و روحانیون را سد توسعه یافتگی فرهنگی، لذا برای دست یافتن به توسعه یافتگی مدنظرش سعی در محدود کردن قدرت این دو گروه برآمد.

آن چه مشخص است، شاه قدرتش را صرفاً به نهادهای نظامی و پشتیبانش تقسیم نموده بود و روشنفکران مستقل در تصمیم گیری‌های سیاسی جایگاهی نداشتند. علاوه بر عدم جایگاه آنها، شاه سعی نمود تا تمامی فعالیت‌ها و حضور آنها را در قالب حزب رستائیز به عنوان تنها صدای ملت محدود سازد که البته این حزب هم کاملاً فرمایشی و در دست وی بود (جان فوران، ۱۳۷۷: ۵۵۳).

مهم‌ترین علت اعتراض کارگران صنعتی، کارکنان دولتی و کلاً طبقات محروم و فقیر شهری نسبت به رژیم، مجموعه اقداماتی بود که از طرف دولت برای مهار تورم اتخاذ کرده بود و طبقات محروم از این وضعیت بسیار در وضع نامناسبی به سر می‌بردند و فشارهای سیاست‌های اقتصادی دولت بر دوش آنها می‌افتاد. به این ترتیب، حقوق اقشار مختلف

اجتماعی دائماً از سوی دولت مورد تعرض قرار می‌گرفت و آنان در مقابل این تعرضات، دست به انجام کنش‌های واکنشی می‌زدند(فرهادی، ۱۳۸۹: ۲۹۴).

اما به غیر از کنش جمعی و واکنشی در این انقلاب نوع دیگر کنش جمعی که مورد مشاهده است، کنش جمعی ابتکاری است. چنانچه مطالبات انقلابیون را به دو بخش سلبی و ایجابی تقسیم کنیم، آن‌ها در بخش سلبی در واکنش به تصمیم‌های رژیم خواهان براندازی یا سرنگونی شاه و رژیم سلطنتی بودند. اما در بخش ایجابی مطالبات، آن‌ها خواهان برپایی جمهوری اسلامی بودند. در کنش جمعی ابتکاری، گروه‌های انقلابی ادعاهایی را در مورد منابعی مطرح می‌کنند که پیش از این حق آن‌ها قلمداد نمی‌شده است(تیلور، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

از حیث حجم کنش جمعی که به واسطه شدت و مدت گستردگی آن ردیابی می‌شود، باید این نکته را اذعان نمود که حجم کنشگران در انقلاب اسلامی چه در تهران و چه در دیگر شهرها بسیار بالا بود. در انقلاب اسلامی، طی یک سال و چند ماه مبارزه، گروه‌های انقلابی بسیج کننده، چندین و چند بار در اکثر شهرهای ایران اعتراضات خود را به شکل‌های متفاوت علیه رژیم ابراز نمودند. دو شکل مسلط کنش جمعی در انقلاب اسلامی، یکی اعتصابات و دیگری تظاهرات یا راهپیمایی‌ها بود که به واسطه آن مبارزات انقلابیون شکل گرفت. البته، شکل‌های دیگر کنش جمعی هم مثل درگیری‌های خیابانی و زد و خورد‌های میان نیروهای انقلابی و دولت هم در این انقلاب دیده می‌شود، اما شکل غالب و مسلط نبوده است.

نتیجه

در این مقاله، تلاش شد بسیج منابع در انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی توضیح داده شود. در بررسی مؤلفه‌های نظریه بسیج منابع در مورد انقلاب اسلامی، این نتایج حاصل شد: مهم‌ترین چالشگران انقلاب اسلامی عبارت بودند از: روحانیان، بازاریان، روشنفکران، کارگران صنعتی و کارمندان دولتی. منافع گروه‌های انقلابی بیشتر مطالبات جمعی بود تا صنفی. مهم‌ترین سازمان‌های انقلابی که به عنوان چالشگران انقلابی محسوب می‌شدند، شامل گروه‌های اسلامی از جمله هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی، انجمن‌های اسلامی و شبکه مساجد و حسینیه‌های سراسر کشور؛ گروه‌های چپ شامل حزب توده، سازمان

چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق؛ گروه‌های ملی گرا شامل جبهه ملی و نهضت آزادی بود. انواع بسیج شامل بسیج تدافعی و بسیج تهاجمی بود. در بسیج تدافعی، گروه‌های انقلابی در دفاع از منابع تحت اختیارشان که توسط حکومت مورد تعرض و تهدید قرار می‌گرفت، مانند اقدام روحانیون در پاسداری از ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی، منابع خود را گردآوری و دست به بسیج تدافعی می‌زد. در ارتباط با بسیج تهاجمی، گروه‌های انقلابی برای به دست آوردن منابع جدیدتر که پیش از این مرحله حق خود نمی‌دانستند، مانند برپایی نظام انقلاب جدید دست به بسیج تهاجمی زدند. در مورد سرکوب می‌توان این موارد را برشمرد: کشتار خونین ۱۷ شهریور و سرکوب تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم طی مبارزات انقلابی در بیشتر شهرهای ایران، و دستگیری و زندان و تبعید برخی چهره‌های فکری و بسیجگر انقلابی، سرکوب خونین مراسم چهلم شهدای قم، تبریز، و یزد، روی کار آوردن دولت نظامی ازهارای، و اعلام حکومت نظامی در اکثر شهرهای ایران. تسهیل شامل این موارد بود: آزاد نمودن تعدادی از زندانیان سیاسی در ادوار مختلف پس از شروع جنبش انقلابی، برکناری دولت نظامی ازهارای و روی کار آوردن بختیار از اعضای جبهه ملی، اجازه راهپیمایی به انقلابیون در روزهای تاسوعا و عاشورا، انحلال حزب رستاخیز، برکناری و دستگیری برخی چهره‌های منفور همچون تیمسار نصیری و هویدا، لایحه جدید مطبوعات با آزادی‌های بیشتر و لغو سانسور توسط حکومت و پخش آزاد هر گونه خبر از رادیو و تلویزیون کشور. از لحاظ وضعیت قدرت، عوامل زیر باعث ضعف قدرت حکومت بود: بیماری محمدرضا شاه، شخصی بودن قدرت شاه، پیوستن بخشی عظیمی از ارتش و کارکنان دولتی به نیروهای انقلابی، فقدان نیروهای ضد اغتشاش علیرغم داشتن ارتش بسیار مجهز، عدم حمایت‌های مؤثر و عملی بین‌المللی از شاه؛ عوامل زیر نیز باعث قوت نیروهای انقلابی بود: بهره‌مندی گروه‌های انقلابی از منابع هنجاری، حمایت و پشتیبانی‌های مردمی از گروه‌های انقلابی، حمایت‌های بین‌المللی از جنبش انقلابی، وحدت گروه‌های انقلابی علیرغم ناهمگونی‌های ایدئولوژیکی. فرصت‌ها شامل گشایش فضای سیاسی کشور با روی کار آمدن جیمی کارتر در ایالات متحده آمریکا، مرگ سیاستمداران قدرتمندتری همچون علم، علاء، اقبال، ساعد و غیره، بحران اقتصادی به شکل تورم حاد و افزایش هزینه‌های زندگی، تهدید شامل احتمال کودتای نظامی توسط ژنرال هایزر و دستگیری سران انقلاب، احتمال اقدام خشن

و جنون آمیز ارتش در سرکوب وسیع مردمی و کشتار سطوح بالا؛ در مورد انواع کنش‌های جمعی در انقلاب اسلامی نیز این مطلب را تکرار می‌کنیم که در انقلاب اسلامی، دو نوع کنش جمعی واکنشی و ابتکاری قابل رؤیت است. دو شکل مسلط کنش جمعی در انقلاب اسلامی، یکی اعتصابات و دیگری تظاهرات یا راهپیمایی‌ها بود. البته، شکل‌های دیگر کنش جمعی هم مثل درگیری‌های خیابانی و زد و خوردهای میان نیروهای انقلابی و دولت هم در این انقلاب دیده می‌شود، اما شکل غالب و مسلط نبوده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمد، محمد ابراهیم فتاحی و لیلیایی. تهران: نشر نی.
- استمپل، جان. دی. (۱۳۷۷). درون انقلاب ایران، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی. تهران: مؤسسه رسا.
- افشارکهن، جواد. (۱۳۸۳). بازخوانی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: آوای نور.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۲). انقلاب در دو حرکت، تهران: انتشارات نهضت آزادی.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۵). شصت سال خدمت و مقاومت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- براتی، اکبر. (۱۳۷۵). خاطرات اکبر براتی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها. تهران: سمت.
- تاریخچه گروه‌های تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (۱۳۶۰)، ج ۱، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- تیلور، استن. (۱۳۸۸). انقلاب‌ها و علوم اجتماعی، ترجمه علی مرشدی زاد. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). جریان و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰) (از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جلایی پور، حمید رضا. (۱۳۸۵). تبیین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ بر اساس سرمشق انتخاب عقلانی و نظریه‌ی بسیج منابع، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم. س ۱۵، شماره ۱ ۵۷-۵۶، ص ۵۲-۵.
- جمعی از مؤلفان. (۱۳۷۵). سازمان چریک‌های فدایی خلق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حاضری، علی محمد و صالح‌آبادی، ابراهیم. (۱۳۸۳). "ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه." مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۳، پائیز، صص ۲۷-۵.
- حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۵). یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رهبری، مهدی. (۱۳۷۹). اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران: بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های اقتصادی با انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- روحانی، حمید. (۱۳۶۳). تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: افست.

- سمتی، هادی. (۱۳۷۵). نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران، مجله دانشکده و حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۳۵.
- سید نصری، حمید رضا و ستوده، امیر رضا. (۱۳۷۸). پاره‌ای از خورشید گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد مطهری، تهران: ذکر.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۸). "بررسی ویژگی‌های مشارکت کنندگان در انقلاب اسلامی ایران." فصلنامه علوم اجتماعی ایران. شماره های ۴۲-۴۳.
- شعبان، ولی الله. (۱۳۸۲). بررسی روند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و روسیه، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فرهادی، احسان. (۱۳۸۹). تحلیل مقایسه‌ای بسیج منابع در انقلاب‌های مشروطه و اسلامی بر اساس نظریه چارلز تیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.
- فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کرباسچی، غلامرضا. (۱۳۷۱). هفت هزار روز تاریخ و انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۷۵). "زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران." راهبرد. (شماره ۹) بهار. صص ۱۰۶-۸۹.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۷۷). تحلیل بر انقلاب اسلامی. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر.
- منصوری، جواد. (۱۳۷۸). تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میثمی، لطف الله. (۱۳۸۰). از نهضت آزادی تا مجاهدین، تهران: صمدیه.
- نوذری، عزت‌الله. (۱۳۸۰). تاریخ احزاب سیاسی در ایران. شیراز: نوید شیراز.
- نوروزی، نصرالله. (۱۳۷۵). ساخت قدرت شخصی و فروپاشی حکومت پهلوی، راهبرد. شماره ۹.
- ونس، سایروس. (۱۳۶۲). نقش آمریکا در ایران، ترجمه محمود طلوعی. تهران: انتشارات هفته.
- Keddie, Nikki R. 1987. *Roots of Revelutions*. New Haven. Yale University Press.
- Skocpol, Theda. 1982. "Rentier State and Shi's islam in the Iranian Reveolution." *Theory and Society*, 11:3, pp .265-283.